

جهان نون

سرمقاله: زیگزاگ ها و فرصت ها

گزیده اخبار: دانشجویان / کارگران / زنان / زندانیان

بررسی تطبیقی نیروهای حکومت در ۲۲ بهمن و روزهای اعتراض ۸۸

شوراها و انقلاب ۵۷

شوراهای انقلابی کارگران از بهار ۵۷ تا بهار ۵۸

شماره چهارم / بهمن ۱۳۸۸

Email: jahanenovin@gmail.com

<http://jahanenovin.blogspot.com>



عکس هایی از مبارزات مردم علیه حکومت در سال ۱۳۵۷

- ۱- یک مبارز، گلوله گاز اشک‌آور را از مردم دور می‌کند
- ۲- حضور فعال زنان در تظاهرات خیابانی
- ۳- مردم یک اتوبوس دولتی را به منظور بستن راه سرکوب‌گران، واژگون می‌کنند.
- ۴- نیروهای سرکوب مسلح به باتوم و سپر

زیگزاگ ها و فرصت ها

سرعت تحولات سیاسی ایران، طی هشت ماه اخیر، ناظران بسیاری را دچار سرگیجه کرده است. حتی برخی بازیگران هم، چنان دست و پای خود را گم کرده‌اند که مدام زیگزاگ حرکت می‌کنند. طی دو هفته اخیر، قوای نظامی و انتظامی و امنیتی و قضایی، تعداد زیادی از فعالان سیاسی را بازداشت و تعداد دیگری را آزاد کرده‌اند. صدا و سیما، که برنامه مناظره‌های انتخاباتی را برای جذب مخاطبان از دست رفته، مفید می‌دید، اجرای دور جدیدی از مناظره‌ها را استارت زد، اما در مناظره سوم متوقف شد و مناظره‌ها را ادامه نداد. حمله شدید اللحن محمد یزدی به رفسنجانی، بلافاصله از طرف احمد خاتمی، امام جمعه موقت تهران، پس گرفته شد. به امید گرفتن زهر چشم از مردم معترض، دو نفر را به بهانه شرکت در اعتراضات ماه‌های اخیر اعدام کردند، اما پس از گذشت فقط چند روز، رییس قوه قضاییه مجبور به ارائه توضیحاتی شد مبنی بر این‌که آنها قصد بمب‌گذاری در امام‌زاده‌ای را داشتند و تلویحاً ارتباط اعدام‌ها با اعتراضات اخیر را رد کرد. تجمع دو هزار نفری خانواده زندانیان و معترضان جلوی درب زندان اوین، در اعتراض به اعدام‌ها و ادامه بازداشت‌ها، حکومت را وادار به عقب‌نشینی کرد و نزدیک به پنجاه نفر از زندانیان، همان روز آزاد شدند.

هنوز جوهر معاملات خشک نشده، معامله را بر هم می‌زنند. امروز دولت مستقر ایران اعلام می‌کند که معامله سوخت هسته‌ای را پذیرفته و با غرب، کنار آمده است. فردا دم از غنی‌سازی بیست درصد و بلوف‌های تحریک‌آمیزی از این دست می‌زند. وضع سران اصلاح‌طلب هم بهتر از این نیست. بیانیه می‌دهند که دولت باید به مجلس، پاسخ‌گو باشد و این یعنی که دولت مستقر را پذیرفته‌اند. اما بلافاصله از طریق اعضای خانواده، دست به انکار می‌زنند و آنچه را که هنوز

جوهرش خشک نشده، حاشا می‌کنند.

خیمه‌شب‌بازی حوزه اقتصاد اما دیدنی‌تر است. مردم را خوشه‌بندی می‌کنند و هنوز خوشه‌ها، غوره نشده، دوباره دانه‌شان می‌کنند! البته نباید از حق گذشت که خوشه‌بندی، طبع طنز مردم را دوباره پر بار کرد. حدود یک ماه تا آغاز سال جدید باقی است و هنوز لایحه بودجه، تصویب نشده است. البته اگر این اساتید مسلم اقتصاد، دخل و خرج یک ماه آتی‌شان را هم بتوانند روی کاغذ بیاورند، باید به احترام شان کلاه از سر برداشت. سال‌هاست شکم‌های شان را برای حذف یارانه‌ها و میلیاردها دلار درآمد اضافی از کیسه مردم، صابون زده‌اند، اما اکنون که در یک قدمی

فرصت های تاریخی اما، دیر به دیر از راه می رسند و به زودی از دست می-روند. دعوای سپاهیان دیروز و امروز، آنها که کیسه های خود را اندوخته اند و آنها که کیسه های خود را اخیرا دوخته اند، تا ابد ادامه نخواهد داشت.

اجرایش قرار گرفته‌اند، دست‌شان می‌لرزد و مدام، زمان اجرای آن را به عقب می‌اندازند.

چند روز پیش، شایعه ورشکستگی دو بانک بزرگ، بازاری‌ها را جلوی باجه‌ها به‌خط کرد. ایمان بازاری‌ها به معابدشان: بانک‌ها، این روح و اعتبار دهنده کاغذهای بی ارزش، در عرض چند ساعت، دود شد و به هوا رفت. فقط استحکام باتوم نیروهای مسلح بود که توانست با چند نوازش مختصر به احتمالات نقاتی از جمجمه، ایمان رفته را بازگرداند و صف‌های طویل جلوی باجه‌ها را، به پشت دخل‌ها برگرداند.

انباشت سی سال انتظارات و خواست‌های میان-سالانی که بهار بهمن ۵۷ را شکوفا کرده بودند، به‌همراه تراکم مطالبات جوانانی که کودکی خود را

در فقدان جامعه ای آزاد و برابر، تباه شده می-دیدند، چنان نیروی مهار نشدنی پدید آورده که نه زور و نه تزویر را، یارای مهار آن نیست. مشخص است که حکومت، ۲۲ بهمن تمام قد در خیابان‌ها خواهد ایستاد. سازماندهی و جابجایی نیروهای وفادار، به همراه ارعاب نیروهای مخالف، مدت-هاست شروع شده و به‌شدت، دنبال می‌شود. مردم اما، هنوز قامت راست نکرده‌اند. نیروی کار جامعه، هم‌چنان در پراکندگی به سر می‌برد. هنوز اعتصابات کارگری، ماهیت محلی و تدافعی دارد و وصول دستمزدهای عقب مانده ماه‌های قبل را مطالبه می‌کند. البته جای بسی امیدواری است که طبقه کارگر، همین مختصر تشکل‌ها و محفل‌های موجودش را، به پای غارت‌گران دیروزش نریخته است.

فرصت‌های تاریخی اما، دیر به دیر از راه می‌رسند و به زودی از دست می‌روند. دعوای سپاهیان دیروز و امروز، آنها که کیسه‌های خود را اندوخته اند و آنها که کیسه‌های خود را اخیراً دوخته‌اند، تا ابد ادامه نخواهد داشت. یک طرف، غلبه و آن طرف، تمکین خواهد کرد. اگر هم دو طرف نتوانند کنار بیایند، برادر بزرگتر، طرف سومی را، البته از تبار خودشان، علم خواهد کرد و معجزه بی‌بی‌سی، در قرن بیست و یکم، تکرار خواهد شد. پراکندگی و بسنده کردن به سیاست خیابانی، هیچ چشم‌انداز نوبی را نخواهد گشود.

جرقه‌ها اما کم نیستند. کنار گذاشتن اختلافات جزئی اما پر حاشیه، شروع شده است. چندین پیروزی صنفی مقطعی، نوید فردایی بهتر را می-دهد. آزادی رفقای نیشکر هفت‌تپه، بازگشت به کار رفقای لاستیک البرز و از سرگیری بدون معطلی مبارزه، و زمزمه‌هایی که از ذوب آهن اصفهان به گوش می‌رسد، امید اجرای سمفونی جدیدی را زنده کرده است. البته در شرایط عادی و روزمرگی، تبدیل ابن نجواها به سرود، سال‌ها زمان می‌برد. اما می‌دانیم که هنگام بحران انقلابی، زمان دگرگونه می‌گذرد. تحولات هشت ماه اخیر را، چه کسی می‌توانست در یک پروسه هشت

ساله تصور کند؟ البته این عبارات، به معنای بی-منطقی سیر تحولات نیست، بلکه صرفاً تأکید روی فشرده‌گی زمان در دوره بحران انقلابی است.

چه باید کرد؟ می‌توان از همین فردا به‌سراغ کارگرانی رفت که با خون و عرق خود، تونل توحید و یا فازهای گوناگون عسلویه را ساختند. با اتمام پروژه، کارفرماها اخراج‌شان کرده و طبق

عادت این سال‌ها، دستمزد ماه‌های آخر را هم پرداخت نکرده‌اند. کارگرانی از این دست، بسیاری‌اند. آنها که تهدید بیکاری و عدم وصول دستمزدهای معوقه، بلای زندگی‌شان شده است و جبر زمانه، آنها را به مبارزه کشانده است. نیرویی که برای این قشر، حرفی برای گفتن و راهی برای رفتن داشته باشد، توان آن را دارد که بقیه مردم را هم با خود همراه کند.

کدام جریان سیاسی می‌تواند راه‌حلی برای تأمین زندگی انسانی توأم با رفاه و آزادی، برای اکثریت زحمت‌کش جامعه ارائه دهد؟ تداوم این زندگی انسانی، چگونه تضمین خواهد شد؟ چگونه می‌توان نابودی ساختار بهره‌کشی از انسان‌ها را برای همیشه تضمین کرد؟

* این سرمقاله، قبل از ۲۲ بهمن نوشته شده است.

اخبار دانشجویی

آزادی تعدادی از دانشجویان بازداشتی

مهدی اللهیاری، از دانشجویان طیف چپ و دانشجوی مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی شریف که از ۱۶ آذرماه در بازداشت بود، عصر روز ۱۷ بهمن ماه آزاد شد. وی در مهرماه سال جاری، طی حکمی از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به دو سال حبس تعزیری محکوم شده بود.

ده دانشجوی بازداشتی دانشگاه علم و صنعت ایران طی هفته جاری آزاد شدند. این دانشجویان که ۵ نفر از آن‌ها در روز عاشورا و ۵ نفر دیگر در روز سه شنبه ۸ دی در پی حمله گسترده و سازمان‌دهی شده لباس شخصی‌ها به تجمع دانشجویان بازداشت شده بودند، بعد از تحمل

نزدیک به ۵ هفته بازداشت در زندان اوین، طی روزهای اخیر آزاد شدند. اکثر این دانشجویان با قید ضمانت (فیش حقوقی کارمندی) آزاد شده‌اند. دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، هشتم دی‌ماه، ۲ روز پس از وقایع خونین عاشورا در محکومیت این جنایات و برای آزادی کامران آسا (برادر شهید کیانوش آسا) تظاهراتی گسترده برپا کرده بودند که طی آن، با حمله گسترده و سازمان‌دهی شده نیروهای لباس شخصی مواجه شدند. ۴ تن از دانشجویان ورودی جدید دانشگاه تهران که به اتهام اهانت به تصویر آیت الله خمینی در ۱۶ آذر دستگیر شده بودند، پس از ۵۰ روز آزاد

شدند. آزادی دانشجویان مذکور قبل از برگزاری هرگونه دادگاهی صورت گرفته است. این در حالی است که یکی از این دانشجویان که ۱۶ آذر دستگیر شده بود، هنوز در بازداشت به سر می‌برد. سعید خسروآبادی دانشجوی دانشگاه شیراز پس از گذشت بیش از یک ماه بازداشت با قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد. خسروآبادی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی است که به-مدت یک ترم، توسط کمیته انضباطی دانشگاه شیراز از تحصیل محروم شده است.

احتمال اعدام دانشجوی ۲۰ ساله به‌خاطر پرتاب سنگ

در دادگاه‌های ناعادلانه حداقل نه نفر از معترضین به مرگ محکوم شده‌اند و در خطر اعدام قریب الوقوع هستند. پنج نفر از معترضین از جمله ولیان، دانشجوی بیست ساله، نیز هفته پیش به اتهام محاربه محاکمه شده و در صورت محکومیت با مجازات مرگ مواجه خواهند شد.

شواهد اصلی مورد استناد برای محکومیت این دانشجوی ۲۰ ساله تصاویری هستند که او را در

حال پرتاب سنگ در اعتراضات روز عاشورا نشان می‌دهند. محاکمه و محکومیت ولیان، دانشجوی دانشگاه علوم پایه دامغان، به‌دنبال تقبیح او در یک روزنامه دانشجویی که توسط شبه‌نظامیان بسیجی طرفدار دولت منتشر می‌شود و بلافاصله دستگیری او، به‌جریان افتاد. ولیان علاوه بر محاربه، به مفسد فی الارض، تبانی در اقدام علیه امنیت ملی، فعالیت‌های تبلیغی علیه نظام جمهوری اسلامی

ایران، و توهین به مقامات ارشد متهم شده است. محمد امین ولیان از روز بازداشتش تا کنون هیچ-گونه ملاقاتی با خانواده و امکان انتخاب وکیل و ملاقات با وی نداشته است و مستقیماً از سلول انفرادی در بازداشتگاه‌های نامعلوم اطلاعات سپاه به دادگاه منتقل شده است.

اعتراضات دانشجویان به احکام دادگاه و اعمال فشارها

نزدیک به هزار دانشجوی دانشگاه صنعتی شریف نسبت به حکم صادر شده برای سروش ثابت، دانشجوی ستاره‌دار این دانشگاه اعتراض کرده و با امضای طوماری خواستار لغو حکم صادر شده برای وی شدند. سروش ثابت، فعال دانشجویی

چپ‌گرا، که با وجود کسب رتبه اول کارشناسی ارشد اجازه ورود به دانشگاه را پیدا نکرد، از سوی قوه قضائیه به دو سال حبس تعزیری به اتهام اقدام علیه امنیت ملی محکوم شده است. انجمن اسلامی دانشگاه پلی تکنیک هم، با صدور

بیانیه‌ای اعمال فشار بر اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت برای اعلام انحلال این تشکل دانشجویی را محکوم کرد و خواستار آزادی فوری همه دانشجویان در بند شد.

دستگیری فعالان دانشجویی

نادر احسنی از فعالان دانشجویی چپ‌گرا و خواهرش الهام، شامگاه ۱۹ بهمن در خانه پدری بازداشت شدند. نادر احسنی در مراسم ۱۶ آذر سال ۸۶ هم دستگیر و به یک سال زندان محکوم شده بود. بنا به احضاریه دادگاه انقلاب، او باید برای اجرای این حکم ناعادلانه خود را به زندان معرفی می‌کرد. الهام احسنی استادیار دانشگاه بهشتی و فعال اجتماعی است. او در دو سازمان غیر دولتی برای بیماران مبتلا به ایدز و کودکان کار و خیابان فعالیت می‌کرد

یاشار دارالشفا و مازیار سمیعی، از فعالان چپ‌گرا و نویسندگان نشریه اینترنتی سرپیچ، بازداشت شدند. پیش از این نیز، امید منتظری، به اتهام همکاری با این نشریه و داشتن گرایش مارکسیستی، بازداشت و محاکمه شده بود. اردوان تراکمه، فعال چپ‌گرا و دانشجوی کارگردانی سینما، یکی دیگر از دوستان امید منتظری است که او هم در زندان به سر می‌برد. مهین فهیمی، مادر امید منتظری نیز بازداشت شده است. بهار تراکمه، خواهر اردوان تراکمه، توران کبیری، مادر یاشار دارالشفا و کاوه دارالشفا برادر یاشار نیز به مدت یک روز در بازداشت بودند.

گزارش‌های موثقی هم از حمله به خانه چند نفر دیگر از فعالان طیف چپ منتشر شده است. این افراد در زمان حمله نیروهای امنیتی در خانه نبوده‌اند و بنابراین بازداشت نشده‌اند. برای حفظ امنیت این فعالان، اسامی آنها منتشر نشده است.

با دستگیری علی کلایی، تعداد اعضای زندانی کمیته گزارشگران حقوق بشر به هشت تن رسید. پیش از این شیوا نظرآهاری، پریسا کاکایی، کوهیار گودرزی، مهرداد رحیمی، سعید کلانکی، سعید حائری و سعید جلالی فر که همگی از اعضای این نهاد حقوق بشری هستند، به بازداشت نیروهای امنیتی در آمده‌اند.

دانشگاه امیرکبیر: احسان میرسعیدی، دانشجوی ورودی ۸۶ رشته مهندسی نرم‌افزار و عضو شورای صنفی دانشکده کامپیوتر، مریم کریمی، ورودی ۸۵

مهندسی شیمی و ابوالفضل کریمی، ورودی ۸۶ مهندسی متالورژی، پس از مراجعه به دفتر پی-گیری وزارت اطلاعات بازداشت شدند.

دانشگاه تهران: روز دوشنبه ۱۲ بهمن، رضا زینالی، دانشجوی مدیریت و دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشکده مدیریت، در هجوم نیروهای امنیتی به منزلش بازداشت شد. همان شب محمد علی رفیعی دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پس از خروج از دانشگاه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. ساعاتی بعد در نیمه‌شب، نیروهای امنیتی با یورش به منازل وحید عابدینی، نوید عابدینی و اسماعیل ایزدی خواه، سه تن از فعالین سابق دانشجویی، آنها را نیز بازداشت و برخی از وسایل آنان را ضبط کردند. وحید عابدینی عضو اسبق انجمن دموکراسی‌خواهان دانشگاه و نوید عابدینی دبیر سابق انجمن اسلامی دانشکده ادبیات بودند. حمید یحیوی، دانشجوی دوره دکترای علوم سیاسی نیز در همان شب در مسیر دانشگاه به کوی ناپدید شده است. احتمال می‌رود که وی نیز توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده باشد.

یک روز پس از آن در ساعات اولیه بامداد چهارشنبه، دو دانشجوی دیگر به نام‌های نازنین حسن-نیا و سحر قاسمی‌نژاد، در یورش نیروهای امنیتی به منازلشان بازداشت شدند. ماموران ضمن تفتیش منزل، برخی از وسایل شخصی این دانشجویان را برده‌اند. در همان روز نازنین فرزنجو، دانشجوی مترجمی زبان فرانسه و فعال حقوق بشر در منزل شخصی خود در مهرشهر کرج، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل شد.

مهدی تاجیک، دانشجوی فوق‌لیسانس رشته مطالعات منطقه‌ای و جهانگیر عبداللهی، دانشجوی فوق‌لیسانس علوم سیاسی نیز به دلایل نامشخصی از سوی نهادهای امنیتی بازداشت شده‌اند. عبداللهی هنگام ترک دانشگاه و در حال سوار شدن به اتوبوس‌های کوی دانشگاه و تاجیک در

منزل خود بازداشت شده‌اند.

دانشگاه کاشان: ظهر روز دوشنبه ۱۲ بهمن محمد مختاری، دبیر سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه کاشان، هنگامی که به‌همراه دو دانشجوی دیگر این دانشگاه، قصد خروج از منزل وی را داشتند، بازداشت شدند. پس از چند ساعت دو دانشجوی همراه وی آزاد شدند ولی محمد مختاری همچنان در بازداشت به سر می‌برد. همچنین نیروهای امنیتی به منزل پدری او یورش برده و کتاب‌ها و کیس کامپیوتر او را ضبط کرده‌اند. اتهام محمد مختاری تبلیغ علیه نظام عنوان شده است. علیرضا ولیان که او هم از دبیران انجمن اسلامی و دانشجوی کارشناسی ارشد این دانشگاه می‌باشد، در پی حوادث پس از عاشورا بازداشت شده است و همچنان در زندان به سر می‌برد.

تبریز: شاهین فضلی، منتقد سینما و دانشجوی رشته مهندسی کامپیوتر دانشگاه علمی کاربردی تبریز، به حکم دادستانی در تبریز بازداشت شد. ماموران در بازرسی از منزل وی، کتابها، لپ‌تاپ و دیسک‌های کامپیوتر او را توقیف کردند. شاهین فضلی پیش از انتخابات ریاست جمهوری احضار و به اتاق ۳۷ زندان تبریز، دفتری واقع در مجاورت زندان مرکزی تبریز برده شده بود. وی پس از بازداشت به زندان وزارت اطلاعات منتقل شد. فضلی به مدت سه روز تحت شکنجه قرار داشت. آثار خاموش کردن سیگار بر روی گردن وی همچنان باقی است.

البرز محبوب‌خواه دانشجوی دانشکده مکانیک دانشگاه خواجه‌نصیر، هنگام خروج از دانشگاه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

گلناز توسلی، دانشجوی دانشکده هنر، واحد تهران مرکز دانشگاه آزاد، ۱۵ بهمن ماه توسط پلیس امنیت در منزلش بازداشت شد.

برگزاری دادگاه و صدور محکومیت برای دانشجویان

سهیل محمدی دانشجوی دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی به چهار سال حبس تعزیری محکوم شد. وی در روز ۱۲ آبان ماه در منزلش توسط نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت و به زندان اوین منتقل شد و از آن پس در این زندان نگهداری می‌شود. اتهامات وی اقدام علیه امنیت ملی، شرکت در تجمعات و توهین به مقام ریاست جمهوری ذکر شده است. سهیل محمدی و علی پرویز، پس از اعتراض دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر به حضور و سخنرانی صفار هرندی در این دانشگاه بازداشت شدند. علی پرویز نیز به سه سال حبس تعزیری محکوم شده است.

بازداشت شد. وی سپس به بند ۲۰۹ منتقل شد و به مدت ۳ ماه در سلول انفرادی به سر برد. مددزاده پس از ۷ ماه بازداشت در بند ۲۰۹ به قرنطینه متادون و بند عمومی نسوان انتقال یافت. دادگاه کاظم رضایی، دانشجوی رشته مهندسی مکانیک دانشگاه شیراز، پس از گذشت ۳ ماه از بازداشت وی، برگزار شد. شاهدان عینی در حالی کاظم رضایی را در دادگاه انقلاب دیده‌اند که آثار شکنجه‌های جسمی بر بدن وی مشهود بوده است. کاظم رضایی، یکی از فعالین دانشجویی شناخته شده این دانشگاه است که در ۱۳ آبان امسال، برای چهارمین بار بازداشت شد.

شب‌نم و فرزند مددزاده به ۵ سال حبس و تبعید به زندان رجایی‌شهر محکوم شدند. محمد اولیایی - فرد، وکیل شب‌نم و فرزند مددزاده گفت: این حکم که امروز صبح به موکلانش ابلاغ شده، همراه با تبعید به زندان گوهردشت (رجایی‌شهر کرج) است. وکیل شب‌نم و فرزند مددزاده، این حکم را قانونی ندانست و اعلام کرد به زودی به این حکم اعتراض خواهد کرد. حکم این دو، در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی مقیسه‌ای صادر شده است. شب‌نم مددزاده، دبیر سیاسی انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم، روز دوم اسفندماه سال ۸۷ توسط نیروهای وزارت اطلاعات

صدور احکام انضباطی و محرومیت از تحصیل برای دانشجویان

به آنان ابلاغ و اجرا شد. این ۵ دانشجو در مجموع به ۸ ترم ممنوعیت از تحصیل محکوم شده‌اند. پیش از این ۹ نفر از دانشجویان دانشکده فنی و مهندسی دانشگاه اراک به کمیته احضار و به ۱۵ ترم منع از تحصیل محکوم شده بودند. قابل توجه است اجرای این احکام از سوی کمیته انضباطی تا پایان امتحانات دانشگاه اراک، برای پیش‌گیری از تجمعات و اعتراض‌های احتمالی دانشجویان به تعویق افتاده است.

دانشگاه چند تن از دانشجویان را احضار کرد. کمیته انضباطی دانشگاه در پی این احضارها، حکم یک ترم محرومیت موقت از تحصیل با احتساب سنوات تحصیلی را برای راضیه دیلم صالحی صادر کرد. مجید کیایی، دیگر دانشجوی احضار شده به توبیخ کتبی با درج در پرونده محکوم شده است. اراک: احکام انضباطی منع از تحصیل ۵ نفر از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه سراسری اراک

نجف‌آباد: دانشگاه آزاد نجف‌آباد در اقدامی بی - ابقه، با مسدود کردن فایل آموزشی حدود چهل نفر از فعالان دانشجویی دانشگاه، از انتخاب واحد و ثبت نام آنان در ترم جدید تحصیلی ممانعت کرد. بابل: پس از اعتصاب غذا و تجمع اعتراضی دانشجویان دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل در حمایت از دانشجویان محروم از تحصیل این دانشگاه در روز ۲۲ آذر، کمیته انضباطی این

ابتلای دانشجویان زندانی به بیماری های عفونی

بیماری اش گله داشت، به دلیل این که فواد پیش از بازداشت زیر نظر دندان پزشک بود و هم‌اکنون در زندان از مراقبت‌های کافی و لازم برخوردار نیست، از ناحیه دهان دچار عفونت شدیدی شده است، وقتی که روز پنج‌شنبه که با وی ملاقات حضوری داشتیم، حال مناسبی نداشت و از نظر جسمی به شدت ضعیف شده بود، طوری که شخصی که با وی بود، به جای او صحبت می‌کرد. هم‌اکنون ۳۵ روز است که بازجویی فواد تمام شده، ولی هم‌چنان بلا تکلیف و در سلول چهار نفره نگه‌داری می‌شود.»

هستند. مهدیه گلو به خرابی شوفازها و سرمای شدید چند روزه اخیر زندان اوین نیز اشاره کرده که موجب سرماخوردگی تعداد زیادی از زندانیان، از جمله خود وی شده است. مهدیه گلو، عضو شورای دفاع از حق تحصیل است که در حال حاضر اغلب اعضای آن از جمله، مجید دری، ضیا نبوی، شیوا نظرآهاری، پیمان عارف و سعید جلالی فر در زندان هستند. پدر فواد شمس، فعال دانشجویی چپ‌گرا، در مصاحبه‌ای در مورد وضعیت وی گفت: «فواد در آخرین تماس تلفنی که با من داشت، از

خواهر مهدیه گلو، فعال دانشجویی، پس از آخرین ملاقات با وی از وضعیت جسمانی وخیم خواهرش خبر داد. به گفته خواهر این فعال دانشجویی، وی نسبت به آخرین ملاقات‌شان در دو هفته گذشته، بسیار لاغر شده بود. وی همچنین از وضعیت بهداشتی و دارویی زندان شکایت داشته و اظهار داشته که ده روز است به بیماری عفونت روده دچار شده است ولی کمبود امکانات بهداشتی و دارویی زندان، به‌ویژه پس از روز عاشورا به‌حدی است که زندانیان حتی برای دسترسی به آنتی‌بیوتیک هم با مشکل روبرو

اعتراض دانشجویان دانشگاه آزاد سنندج به اخراج اساتید و فضای بسته دانشگاه

حاضر به دلیل سیاست های نابجای مسئولان، تعدادی از اساتید مجرب این واحد دانشگاهی اخراج و افراد دیگری نیز در لیست مازاد قرار داده شده اند در حالی که افراد غیر متخصص و تنها به دلیل داشتن رفاقت با مسئول دانشگاه به کارگیری و به عضویت هیات علمی دانشگاه آزاد سنندج در می آیند.

کردن تشکلهای دانشجویی، اخراج سلیقه ای اساتید دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج از جمله مهمترین مشکلاتی است که بارها به مسئولان اطلاع داده شده ولی تاکنون به آن توجهی صورت نگرفته است. همچنین این دانشجویان به انتخاب و اخراج سلیقه ای اساتید مجرب و بومی دانشگاه آزاد واحد سنندج اعتراض و در نامه خود آورده اند: در حال

جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد واحد سنندج با امضای طوماری، به وضعیت این دانشگاه به ویژه به بحث اخراج اساتید اعتراض کردند. در این طومار که به امضای ۱۳۰ دانشجوی این واحد دانشگاهی رسیده و خطاب به جاسبی رئیس دانشگاه آزاد منتشر شده، آمده است: کمبود سرانه فضای آموزشی، مطالعه و نبود امکانات تفریحی و رفاهی، عدم چاپ نشریات دانشجویی و تعطیل

بازنشستگی اجباری، بازداشت، ممنوعیت از تدریس و قطع حقوق اساتید دانشگاه علامه

استاد دانشگاه علامه ادعا کرد که این بازنشستگی ها به درخواست خود استادان و طی دو یا سه سال گذشته صورت گرفته است. وزیر علوم نیز گفته است: موجی از بازنشستگی اساتید در کار نیست و تنها یک نفر از اساتید دانشگاه علامه طباطبایی بازنشسته شده است و نه ۱۲ نفر.

برخی دیگر از استادان دانشگاه علامه تهران، از جمله دکتر شریف آزاده رئیس گروه کشاورزی دانشگاه علامه و دکتر طائی را قطع کرده اند. علی عرب مازار از استادان دانشگاه علامه تهران نیز از هفته دوم دی ماه بازداشت شده و همچنان در بازداشت به سر می برد. حجت الاسلام صدرالدین شریعتی رئیس دانشگاه علامه در واکنش به انتشار خبر بازنشستگی ۱۲

حمیدرضا برادران شرکا، محمد ستاری فر، علی صادق تهرانی، بهروز هادی زوز، محمود ختایی، صادق بختیاری، رضا عاصی و دکتر جهرمی، همگی از اعضای هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه تهران، در هفته های اخیر بازنشسته شده اند. به غیر از محمد ستاری فر، سایر استادان اقتصاد دانشگاه علامه تهران غیر از بازنشستگی، ممنوع التدریس نیز شده اند. مقام های دولتی حقوق

درخواست تحقیق در مورد ترور استاد فیزیک دانشگاه تهران

از دانشجویان را در خیابان ها و شمار دیگری را نیز در زندان ها به قتل رسانده اند... نیروهای دولتی برای حمله به دانشجویان وارد دانشگاه ها شده و خوابگاه های آنها را تخریب کرده و فعالیت های دانشگاهی آنها را مختل کردند. همچنین دانشجویان از ادامه تحصیل محروم شده اند.

و دانشجویان را گسترش داده است. نویسندگان این نامه به محدودیت های اعمال شده برای دانشگاهیان در ایران هم اشاره کرده و افزوده اند: از زمان انتخابات ریاست جمهوری در ماه ژوئن، جمهوری اسلامی ایران اقدامات خود را در زمینه بازداشت و شکنجه دانشجویان و استادان دانشگاه ها تشدید کرده و نیروهای دولتی شماری

۱۱۰ نفر از استادان و محققان دانشگاه های سراسر جهان با انتشار نامه سرگشاده ای، ضمن محکوم کردن ترور مسعود علی محمدی، استاد فیزیک دانشگاه تهران، خواستار بررسی فوری این حادثه توسط مراجع مستقل شدند. در بخش دیگری از این نامه سرگشاده، تاکید شده که جمهوری اسلامی بازداشت و شکنجه استادان

وزیر علوم: التزام به ولایت فقیه، شرط بورس دانشجویان و صدور مجوز دانشگاه تک جنسیتی

موسسات آموزش عالی غیر انتفاعی جدید این مجوز را می دهیم که تک جنسیتی باشند تا به نیاز بخشی از جامعه پاسخ داده شود.

اسلامی اعتقاد و به ولایت فقیه التزام عملی داشته باشند. وی در خصوص دانشگاه های تک جنسیتی گفت: به هیچ وجه قصد تفکیک جنسیتی و جدا سازی دانشجویان در دانشگاهها را نداریم لکن به

وزیر علوم گفت: همانطور که غربیها در استخدام استاد به شرایطی همچون صحبت نکردن درباره هولوکاست پایبند هستند، دانشگاه های ما نیز برای استخدام اعضای هیئت علمی و بورسیه کردن دانشجویان، باید افرادی را انتخاب کنند که به نظام

تجمع کارگران تونل توحید تهران

ورودی و داخل تونل محبوس شوند. این مساله سبب شد تا برخی از مسافران این خودروها، با پای پیاده از تونل خارج شوند. همچنین برخی از شهروندان با تلفن همراه خود برای گرفتن عکس و فیلم از این تجمع، روانه تونل شدند که این امر نیز بر شدت ترافیک افزود.

پرداخت حقوق معوق خود، در حالی که برخی از آنها لباس کار پوشیده بودند، به نشانه اعتراض در برابر ورودی های این تونل خوابیده و از عبور و مرور خودروها جلوگیری کردند. این اقدام آنها تا قبل از آمدن پلیس راهنمایی و رانندگی، سبب شده بود تا نزدیک به نیم ساعت، خودروها در

کارگران تونل توحید، ۲۱ بهمن، در پی پرداخت نشدن حقوق خود مقابل ورودی این تونل اجتماع کردند. این تجمع سبب شد تا مسیر شمال به جنوب بزرگراه چمران، از برج میلاد تا ورودی تونل، با ترافیک شدیدی همراه شود. جمعی از کارگران تونل توحید به دلیل عدم

آزادی چهار تن از رهبران سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

غذایی و رستوران، از ادامه بازداشت علی نجاتی، رهبر سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه انتقاد کرد و خواستار آزادی او شد. آقای نجاتی که در پاییز سال جاری بازداشت شد، به دو سال زندان محکوم شده است.

کیفری به طور مشروط آزاد شده اند. بر اساس احکام دادگاه تجدید نظر استان خوزستان، آقایان نیکوفرد، علیپور و احمدی به تحمل شش ماه حبس تعزیری و شش ماه حبس تعلیقی، و آقای حیدری به چهار ماه حبس تعزیری و هشت ماه حبس تعلیقی محکوم شده بودند. فدراسیون جهانی کارگران صنایع کشاورزی، مواد

قربان علیپور، محمد حیدری، فریدون نیکوفرد و جلیل احمدی حدود چهار ماه پیش به اتهامات امنیتی بازداشت و به زندان دزفول منتقل شده بودند.

قربان علیپور و محمد حیدری، پس از گذراندن بخش بزرگی از دوره محکومیت خود و فریدون نیکوفرد و جلیل احمدی به دلیل نداشتن پرونده

منصور اسانلو به سلول های انفرادی زندان رجایی شهر منتقل شد

زندان گوهردشت کرج فراخوانده شده و برای مدتی طولانی مورد بازخواست و تهدید قرار گرفتند. شرایط بسیار بد حاکم بر سلولهای انفرادی این سالن، تا به حال منجر به اعتراضات گسترده زندانیان علیه زندانبانان شده است.

منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، به سلول های انفرادی بند یک زندان رجایی شهر، معروف به سگدونی انتقال داده شد.

روز سه شنبه ۲۰ بهمن ماه زندانیان سیاسی منصور اسالو و افشین بایمانی به حفاظت و اطلاعات

بازداشت و محکومیت علیرضا ثقفی، فعال کارگری

به ۳ سال حبس تعزیری

علیرضا ثقفی که در تجمع ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) روز جهانی کارگر در پارک لاله، به همراه محسن ثقفی، بازداشت شده و پس از حدود دو ماه، آزاد شده بود، از ۱۲ بهمن، در بازداشت مجدد به سر می برد. کانون نویسندگان ایران، کانون مدافعان حقوق کارگر و چند گروه کارگری دیگر، بازداشت مجدد وی را محکوم کرده اند.

علیرضا ثقفی، فعال کارگری و روزنامه نگار و عضو کانون نویسندگان ایران، ۲۱ بهمن از سوی دادگاه انقلاب به دلیل شرکت در تجمع روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران، به تحمل ۳ سال حبس تعزیری محکوم شد. همچنین محسن ثقفی، با اتهام مشابه از سوی دادگاه انقلاب به تحمل ۲ سال حبس تعزیری محکوم شد.

برای دریافت نشریه جهان نوین، از لینک زیر (آرشیو نشریه) استفاده کنید:

<http://Jahanenovin.4shared.com>

یا با ایمیل نشریه تماس بگیرید:

jahanenovin@gmail.com

برای تبادل نظر با هیات تحریریه و یا ارسال مطالبتان برای انتشار در جهان نوین، با همین ایمیل تماس بگیرید.

مطالب نشریه، به تدریج در وبلاگ جهان نوین منتشر می شود. برای تبادل نظر جمعی، می-توانید در این وبلاگ، نظراتتان را منتشر کنید:

<http://jahanenovin.blogspot.com>

در صورت امکان، جهان نوین را به ایمیل دوستان خود ارسال کنید.

این نسخه pdf جهان نوین، مناسب پرینت روی کاغذ A4 است. با پرینت و تکثیر نسخه کاغذی جهان نوین، می توانید طیف مخاطبان جهان نوین را گسترش دهید.

اجرای حکم زندان و بازداشت محمد اشرفی، فعال کارگری

پی مراسم بزرگداشت روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران، بازداشت شده و بابت این اتهام، به تحمل یکسال حبس تعزیری از سوی دادگاه انقلاب، محکوم شده بود.

برای ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، جهت اجرایی کردن حکم یکسال زندان وی، اقدام به بازداشت ایشان و انتقال نام‌برده به نقطه‌ای نامعلوم کردند. لازم به ذکر است محمد اشرفی، پیش‌تر در

محمد اشرفی فعال کارگری، شب ۲۰ بهمن برای اجرای حکم، در منزلش بازداشت شد. نیروهای امنیتی، شب ۲۰ بهمن ماه با مراجعه به منزل محمد اشرفی، از فعالان کارگری و عضو کمیته پیگیری

اعتصاب دو روزه کارگران شرکت بن رو

اند چنان چه در اسفند ماه دستمزدهای معوقه آنان پرداخت نشود، بار دیگر دست به اعتصاب خواهند زد. شرکت بن رو مونتاژ کننده ماشین‌های خارجی (بنزهای کوبه) حدود ۸۰۰ نفر کارگر دارد و در جاده سلفچگان قرار دارد.

روزهای ۱۲ و ۱۳ بهمن ماه ادامه داشت، سرانجام با پرداخت یک ماه از دستمزدهای معوقه کارگران در صبح روز چهارشنبه ۱۴ بهمن ماه پایان گرفت. این کارگران به استثنای دستمزد بهمن ماه، هم اکنون سه ماه دستمزد معوقه دارند و اعلام کرده

کارگران شرکت بن رو در روزهای دوشنبه و سه شنبه هفته گذشته و همزمان با دو روز اعتصاب هشدار کارگران نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه از دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب که در تمام طول

تجمع و راهپیمایی کارگران شرکت آوانگان در اراک

فرماندار اراک می‌گوید حل مشکلات شرکت آوانگان از اختیار استان مرکزی خارج است. این مقام مسئول مدیران این شرکت را به ناتوانی در اداره آن متهم کرده است. یک کارگر معترض گفته که کارگران می‌خواهند مطالبات قانونی‌شان را از مسیر قانونی پی‌گیری کنند ولی فشارهای شدید ناشی از شش ماه کار بدون حقوق دیگر برایشان قابل تحمل نیست.

کارگران در خیابان‌های اراک، «یگان‌های نیروی انتظامی حضور موثر داشته» و ترافیک سنگینی هم در خیابان‌های منتهی به محل تجمع به ایجاد شده بود. کارگران کارخانه آوانگان اراک شش ماه است که حقوق نگرفته‌اند و می‌گویند که مسئولان استان مرکزی هنوز کاری برای رفع مشکلات آن‌ها نکرده‌اند و هیچ‌یک از تعهداتشان اجرا نشده است. این در حالی است که

کارگران شرکت آوانگان اراک، صبح چهارشنبه سر کار خود حاضر نشدند و در اعتراض به این که شش ماه حقوق نگرفته‌اند، در خیابان‌های اصلی شهر اراک و مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند. تعداد کارگران معترض ۴۰۰ نفر تخمین زده شده و گزارش شده است که آن‌ها خواستار رسیدگی مسئولان به وضعیتشان و برخورد قانونی با مالکان این شرکت بوده‌اند. همزمان با تجمع

بیکارسازی در کارخانه‌های گل پلاست، راهور زمین و ساسان

اخراج کارگران در شرکت نوشابه‌سازی ساسان ادامه دارد. روند بیکارسازی‌ها از سال پیش آغاز شد و شمار کارگران اخراجی، فقط در طول سال جاری از مرز ۶۰۰ نفر عبور کرده است.

و از عهده دستمزد کارگران برنمی‌آیند! هر دو کارخانه متعلق به سرمایه‌داران بخش خصوصی است و همه آمارهای رسمی و غیر رسمی فریاد می‌زنند که رقم نقدینگی این بخش حتی در همین ماه‌های اخیر هم مدام رو به فزونی بوده است. در گزارش دیگری نیز آمده است که

شرکت گل پلاست، در جاده مخصوص کرج، ۳۰ کارگر را اخراج کرد. کارخانه راهور زمین، از کارخانه‌های دیگر واقع در همین جاده نیز همزمان ۱۵ کارگر را مشمول طرح بیکارسازی خود قرار داد. هر دو سرمایه‌دار، هم صدا و هماهنگ اعلام کرده‌اند که کمبود نقدینگی دارند

میزان دستمزد کارگران کارگاه تولیدی پوشاک کیا بافت بيجار

بر ۱۰۰ میلیون تومان سود می‌برد. کارگران زن در این کارگاه، که عمدتاً زنان سرپرست خانوار هستند، تنها با حقوق ماهیانه ۱۷۰ هزار تومان امرار معاش می‌کنند.

است، برای فروش روانه بازار شهرهای قزوین و زنجان و سنجید می‌شود و متأسفانه کارفرما برای فرار از مالیات، هیچ‌گاه از برچسب بر روی لباس‌ها استفاده نمی‌کند و تنها از این طریق، سالی بالغ

در این کارگاه، ۱۸ نفر کارگر زن مشغول به کار هستند؛ ساعت ۸ صبح تا ۵ بعدازظهر، ساعات کاری ثابت این کارگاه است. لازم به ذکر است که تولیدات این کارگاه، که عمدتاً لباس‌های بچگانه

اعتراضات کارگری در کیان تایر (لاستیک البرز)

دستمزد آذر ماه کارگران پرداخت شود و از آنان خواسته شد طی ۱۵ روز آینده دست به اعتراض زنند تا ظرف این مدت نسبت به بر آورده کردن سایر خواستههای آنان از جمله دستمزد عقب افتاده دی ماه و ۵ ماه مطالبات باقی مانده کارگران از سال گذشته و سایر خواست هایشان رسیدگی شود.

خواستند تا آتش را خاموش کنند، اما کارگران معترض با طرح خواست های خود خواهان رسیدگی به وضعیتشان شدند. در ادامه این کشمکش، کارگران ساعت ۱۱ صبح آتش را خاموش کردند و نماینده هایشان در سالن غذاخوری کارخانه با مدیریت و فرماندار اسلامشهر وارد مذاکره شدند. در این مذاکره قرار شد طی روزهای آینده ۵۰ درصد باقی مانده

ده بهمن ماه، ۹ نماینده اخراجی کارگران کیان تایر بر سر کارهای خود بازگشتند و در روز بعد، یعنی ۱۱ بهمن، کارگران کیان تایر از ساعت ۸ صبح با تجمع در محل کارخانه، اقدام به آتش زدن لاستیک کرده و خواهان رسیدگی فوری به خواست های خود شدند. به دنبال این وضعیت در کارخانه کیان تایر، مدیریت کارخانه و فرماندار اسلامشهر با حضور در محل کارخانه از کارگران

انتشار بیاینه اعلام موجودیت شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان

لذا عنوان شورای موقت را برای خود بر می گزیند، ولی با این حال متعهد می گردد که در صورت فراهم شدن شرایط مساعد در اولین فرصت، انتخاباتی آزاد با شرکت تمامی کارگران کارخانه برگزار کند.

تا آن زمان شورا به نمایندگی از تمامی کارگران کارخانه، برای دفاع از حقوق آنان خواهد کوشید و تصمیمات خود را از طریق صدور بیاینه به اطلاع آنان خواهد رساند...."

رو، و در حالی که بحرانهای اقتصادی فشار مضاعف و کمرشکنی به قشر کارگر وارد می کنند، ما جمعی از کارگران ذوب آهن بر آن شدیم تا در نخستین گام برای دفاع از حقوق کارگران و انسجام بخشیدن به صفوف پراکنده آنان، تشکیل شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان را اعلام نماییم.

از آنجا که این شورا در شرایط غیرعلنی تشکیل شده و منتخب آرای کارگران کارخانه نمی باشد،

در این بیاینه آمده است:

“کارخانه ذوب آهن اصفهان، همواره یکی از بزرگترین مجموعه های کارگری ایران بوده و می باشد. با این همه و به رغم حرکت های کوچک و بزرگ کارگران ذوب آهن برای احقاق حقوق و بهبود شرایط کاری خود، آنان از داشتن هرگونه تشکل کارگری برای دفاع از حقوق و پیگیری مطالبات بحق خود محروم بوده اند. اینک با توجه به شرایط دشوار کارگران و نیز آینده مبهم در پیش

اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد

شد. کارگران نیز متقابلا اعلام نمودند چنانچه فردا نیز کارفرما به وعده خود عمل نکند، بار دیگر و این بار بطور نامحدودی اعتصاب را از سر خواهند گرفت و تا دریافت دستمزدهای معوقه خود دست از اعتصاب نخواهند کشید. بنا بر اظهارات کارگران کارخانه نورد لوله صفا، کارفرمای این کارخانه در حالی که از حدود دو ماه و نیم پیش تاکنون، ریالی از دستمزد کارگران را پرداخت نکرده است، اقدام به خرید کارخانه های موتورزن تبریز و کارخانه پمپ ایران سازنده دستگاههای تولید هوا کرده است. لازم به یادآوری است کارخانه نورد لوله صفا در ۹ کیلومتر ۹ اتوبان تهران ساوه قرار دارد و حدود ۱۳۰۰ کارگر در آن مشغول به کار هستند.

روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه دست از کار کشیدند و تولید را در سالنهای مختلف خواباندند. در پی این اعتصاب از سوی کارگران، بار دیگر معاونت اداری و مالی کارخانه حدود ساعت ۱۱ صبح به کارگران اعلام کرد شب دستمزدهای آنان پرداخت خواهد شد و به این ترتیب کارگران به اعتصاب هشداری خود پایان دادند. شب نیز کارفرمای نورد لوله صفا به وعده خود عمل نکرد و همین امر باعث شد کارگران این کارخانه از اولین ساعت اداری سه شنبه ۱۳ بهمن ماه بار دیگر اعتصاب خود را از سر بگیرند. با شروع مجدد اعتصاب از سوی کارگران، حوالی ظهر تعدادی از مسئولین کارخانه که از تهران آمده بودند، در میان آنان حاضر شدند و اعلام کردند فردا ۱۴ بهمن ماه دستمزدهای معوقه کارگران حتما پرداخت خواهد

کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دو روز متوالی دست از کار کشیده و به اعتراض علیه کارفرماییشان پرداختند.

کارگران کارخانه نورد و لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان روز پنج شنبه گذشته در صدد اعتصاب بر آمدند که با وعده معاونت اداری مالی کارخانه مبنی بر پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران در روز شنبه دهم بهمن ماه از اقدام خود منصرف شدند. اما روز شنبه از پرداخت حدود ۵/۲ ماه از دستمزد معوقه کارگران خبری نشد و به همین منوال تا روز دوشنبه ۱۲ بهمن ماه کارفرما به وعده خود مبنی بر پرداخت دستمزد کارگران عمل نکرد. بدنبال این وضعیت کارگران از اولین ساعت کاری

کارگران آوند پلاستیک ۴ ماه حقوق طلب کارند

کارخانه، ۲۰ نفر بطور رسمی و ۱۵ نفر بطور قراردادی مشغول به کار هستند. به گفته دبیر اجرایی خانه کارگر قزوین، در نتیجه تاخیر ایجاد شده، هم اکنون از یک سو کارگران با مشکل تمدید دفترچه بیمه مواجه هستند و از سوی دیگر کارگران واجد بازنشستگی نیز با مشکل عدم موافقت سازمان مواجه هستند.

دارد. این فعال کارگری گفت: با وجود درآمد که در ماه به ۱۲۰ میلیون تومان نیز می‌رسد؛ کارفرما می‌گوید که برای پرداخت دستمزد کارگران پول ندارد. کریمی گفت: این اظهارت در حالی است که دریافتی ماهانه یک کارگر آوند پلاستیک با ۲۰ سال سابقه از ۴۰۰ هزار تومان بیشتر نیست. وی یادآور شد: از مجموع ۳۵ کارگر شاغل در این

دبیر اجرایی خانه کارگر استان قزوین از تأخیر چهار ماهه در پرداخت حقوق و مطالبات کارگران کارخانه آوند پلاستیک خبر داد. سعید علی کریمی گفت: چهار ماه است که کارفرما بی دلیل دستمزدها را پرداخت نمی‌کند. وی افزود: این درحالی است که این کارخانه روزانه با تولید ۲۰ هزار قوطی برای روغن، ۴ میلیون تومان درآمد

پنجمین سالگرد کشتار کارگران خاتون آباد شهر بابک

جان‌باخته یعنی ریاحی، مومنی، مهدوی، جاویدی و یک دانش آموز به نام پورامینی، از نام‌هایی است که برای همیشه در یادها می‌ماند.

از آن نیز، در خاتون آباد مورد حمله قرار گرفته بودند و یکی از آنها جان باخته بود. کارگران جمع شده بودند تا مانع این شوند که بدون هیچ تأمین و کار و پولی، به خیابان پرتاب شوند. در تاریخ جنبش کارگری ایران، نام کارگران

پنج سال پیش، روز ۴ بهمن ۱۳۸۲، نیروهای حکومت ایران، از زمین و هوا به تجمع کارگران خاتون آباد و خانواده‌های شان در شهر بابک حمله کردند. کارگران خاتون آباد، به اخراج دسته جمعی خود اعتراض داشتند. آنها یک هفته پیش

مهین فهیمی، فروغ میرزایی و زهره تنکابنی آزاد شدند

اخبار زنان

سهراب اعرابی است. فهیمی در شرایطی از اوین آزاد می‌شود که پسرش، در هفته‌های اخیر در نمایش موسوم به دادگاه متهمان حوادث عاشورا (دهم بهمن ماه) حاضر شده است. همچنین زهره تنکابنی از مادران صلح نیز، شنبه شب از زندان آزاد شد.

گذشت پنج هفته میرزایی آزاد شده، اما کریمی همچنان در بند است. مهین فهیمی، دیگر آزاد شده سه شنبه شب، فردای عاشورا همراه با پسرش امید منتظری در حمله عوامل کودتا به خانه اش دستگیر شده بود. وی همسر حمید منتظری از قربانیان اعدام‌های سال شصت و هفت و همچنین از بستگان شهید

فروغ میرزایی، وکیل دادگستری، مهین فهیمی، از مادران صلح، علی نظری روزنامه‌نگار و زهره تنکابنی در ساعات اولیه شب از زندان اوین آزاد شدند. فروغ میرزایی، همسر روزبه کریمی (روزنامه‌نگار و عضو سازمان دانش‌آموختگان ایران) است. این زوج چند روز پس از عاشورا دستگیر شدند. با

حکم اعدام برای شیرین علم هولی بدوی است

ارتباط با پژاک بوده است. شیرین علم هولی با نگارش نامه‌ای، شرح فشارها و شکنجه‌های وارد شده بر خود را برای گرفتن اقرار، منتشر کرده است.

همچنین تأکید کرد که انتظار صدور چنین حکم سنگینی را برای موکل خود نداشته و در اعتراض به این حکم، درخواست تجدیدنظر داده است. در دادخواست شیرین علم هولی آمده که یکی از دلایل صدور حکم محاربه و اعدام، اقرار وی به

حکم اعدام برای شیرین علم هولی، زندانی سیاسی کُرد که از سوی دادگاه بدوی صادر شده، هنوز در دادگاه تجدیدنظر مورد تأیید قرار نگرفته است. وکیل این زندانی سیاسی، صدور حکم اولیه اعدام در دادگاه بدوی را مورد تأیید قرار داد. وی

محرومیت صبا واصفی از تدریس در دانشگاه بهشتی

از اوایل آذرماه سال جاری از تدریس در آموزش و پرورش محروم شد و از محل کارش اخراج گردید.

مدافعان حقوق بشر و از فعالان جنبش زنان، در ۲۸ آبان ماه سال جاری از کار اخراج شده بود. سمیرا صدری، عضو شورای سیاستگذاری سازمان دانش‌آموختگان ایران و از فعالان جنبش زنان نیز، پس از هفت سال حضور بر سر کلاس‌های درس،

صبا واصفی پژوهشگر، فعال حقوق بشر و فعال جنبش زنان که از سال ۱۳۸۵ تاکنون در دانشگاه بهشتی مشغول به تدریس بود، ۳۰ دی ماه از تدریس محروم و از دانشگاه اخراج شد. پیش از آن نرگس محمدی، از اعضای کانون

بازداشت فعالان و روزنامه نگاران زن

می برد. اتهامات وی «اخلال در نظم عمومی و شرکت در تظاهرات غیرقانونی روز عاشورا» است. پرونده او در دادپاری شعبه هشت ناحیه بیست قرار دارد. این زندانی ۲۱ ساله وکیل ندارد و از وضعیت پرونده خود بی خبر است. گفته می شود شمیم زین العابدین سابقه کار سیاسی هم ندارد.

لی لی فرهادپور نویسنده، روزنامه نگار و فعال زنان که اول بهمن ماه از سوی ماموران امنیتی بازداشت و به زندان اوین منتقل شده بود، عصر روز یکشنبه ۱۲ بهمن با خانواده اش تماس گرفت. این اولین تماس فرهادپور پس از بازداشت بود. فرهادپور در این تماس کوتاه تلفنی به خانواده اش خبر داده است که وضعیت جسمانی مناسبی دارد، با این حال در چند روز گذشته به دلیل عارضه قلبی که از پیش داشت، به بهداری زندان اوین منتقل شده است.

خبرنگار سرویس ادب و هنر روزنامه اعتماد، وی را بازداشت کردند. جعفری که بیست و دو سال سن دارد، در ماه های پس از انتخابات ریاست جمهوری هیچ گونه فعالیت سیاسی نداشت و صرفاً به فعالیت در حوزه مسایل فرهنگی و ادبی می پرداخت.

مریم قنبری وکیل دادگستری و از فعالان حقوق زنان، ساعت ۳ صبح در منزلش توسط ماموران امنیتی بازداشت شد. مامورین امنیتی ابتدا زنگ همسایه ها را زده و از این طریق وارد ساختمان شده و سپس در منزل مریم قنبری را زده اند. آنها وسایل مریم قنبری منجمله کامپیوتری را نیز با خود برده اند. از اتهام مریم قنبری اطلاعی در دست نیست. فروغ میرزایی، یکی دیگر از وکلای بازداشت شده است.

شمیم زین العابدین که در روز عاشورا بازداشت شده، هم اکنون در بند عمومی زندان اوین به سر

سمیه مومنی روزنامه نگار و فعال کمپین یک میلیون امضا بامداد روز ۱۸ بهمن در منزل خود بازداشت شد. وی ساعت ۳ صبح در منزل خود به بازداشت نیروهای امنیتی در آمد. از محل نگهداری این روزنامه نگار اطلاع دقیقی در دست نیست. در همین روز، مهسا جزینی از همکاران روزنامه ایران (بخش اصفهان) در این شهر بازداشت شده است. جزینی از فعالان حقوق زن و از همکاران کمپین یک میلیون امضا است. همچنین زینب کاظم خواه، خبرنگار یک خبرگزاری دولتی نیز، ساعت ۳ بامداد ۱۸ بهمن، با مراجعه ۹ تن از ماموران وزارت اطلاعات به محل سکونت اش، بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شده است. نیروهای امنیتی در کرمانشاه نیز، کاوه کرمانشاهی، فعال حقوق بشر و از اعضای کمپین یک میلیون امضا را بازداشت کرده بودند. ماموران امنیتی با حضور در منزل نوشین جعفری،

محمد غزنویان، فعال حوزه کودکان و زنان بازداشت شد

کار و خیابان در قزوین می باشد که محمد غزنویان به عنوان مدیر داخلی این مجموعه نقش پررنگی در ایجاد و پایستگی این مرکز عام المنفعه در محله هادی آباد قزوین داشت.

توضیحی از سوی مأموران به خانواده او داده نشده است. از او مقالات و یادداشت های زیادی با موضوعات حقوق بشر، زنان، کودکان و ... در روزنامه ها و سایت های اینترنتی منتشر شده است. آخرین فعالیت اجتماعی او، کمک در مدیریت یک مرکز پرورش استعداد های کودکان

محمد غزنویان، دانش آموخته رشته علوم سیاسی و فعال حوزه کودکان و زنان، بعد از ظهر دوشنبه نوزدهم بهمن در پارک ملت شهر قزوین بازداشت شد. پس از بازداشت وی، مأموران با مراجعه به منزل پدری او، وسایل شخصی اش را ضبط کردند. در مورد علت بازداشت محمد غزنویان،

یگان ویژه پلیس زن در تهران تشکیل می شود

از کلاتری ها مستقر خواهد شد. به گفته این فرمانده پلیس، اجرای چنین طرحی بدون همیاری پلیس مرد ممکن نیست. براساس اعلام مقام های پلیس، در حال حاضر یک هزار زن پلیس در فرماندهی انتظامی استان تهران فعالیت می کنند.

ویژه» زنان در ایران خبر می دهد. پلیس ایران اوایل سال جاری، از راه اندازی کلاتری های ویژه زنان خبر داده بود، اما این فرمانده پلیس می گوید که بررسی ها نشان داده که «یک سمت شکایات مربوطه به زنان، مردها هستند، در نتیجه در این رابطه مشکلاتی وجود دارد.» آن طور که رجبزاده گفته است، این یگان ویژه در یک طبقه

پلیس ایران اعلام کرد برای رسیدگی به امور زنان، یگان ویژه زنان تشکیل و در کلاتری ها مستقر خواهد شد. سرتیپ عزیزالله رجبزاده، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، «ناکارآمد» دانستن کلاتری های ویژه زنان در بررسی ها را علت راه اندازی چنین یگانی اعلام کرده است. این نخستین بار است که پلیس از راه اندازی «یگان

افزایش نرخ ورود دانشجویان دختر به دانشگاه‌ها تا مرز ۷۰ درصد

درصد زایمانها نیز توسط افراد غیر متخصص انجام می‌شود. وی ادامه داد: مرگ مادران از ۴۰ در هزار، به ۲۴ در هزار رسیده است.

درصد پزشکان متخصص و ۳۰ درصد پزشکان فوق تخصص را زنان تشکیل می‌دهند. وی اظهار داشت: در حال حاضر، تعداد زایمانها در مراکز درمانی و بیمارستانهای تحت پوشش وزارت بهداشت به ۹۷ درصد رسیده است و ۲/۷

وزیر بهداشت با تاکید بر اینکه نرخ ورود دختران به دانشگاه ۶۰ درصد است، گفت: در صورتی که سازمان سنجش این روند را کنترل نکند این میزان به ۷۰ درصد می‌رسد. وی گفت: در ایران ۴۹ درصد پزشکان و ۴۰

بررسی بحران طلاق در مجلس

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس مشکلات اقتصادی و اشتغال را از عوامل تاثیرگذار در وقوع پدیده طلاق عنوان کرد: «مشکلات معیشتی، افزایش خشونت را به دنبال دارد و در نهایت زوجین تصمیم به جدایی می‌گیرند.»

دستگاه‌های مختلف جهت بررسی این معضل در جامعه دعوت شود. بر پایه اعلام سازمان ثبت احوال کشور طی ۹ ماهه امسال نرخ طلاق ۱.۷ در برابر هزار نفر بوده که بیشترین طلاق در میان مردان ۲۵ تا ۲۹ ساله ثبت شده است.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس از بررسی افزایش پدیده طلاق در کشور خبر داد: «این موضوع در دستور کار کمیسیون اجتماعی قرار گرفته است.» هادی مقدسی با اشاره به حضور مسوولان در مجلس جهت بررسی دلایل افزایش طلاق گفت: «بناست به جهت حساسیت موضوع طلاق از

بی‌پناهی زنان ترکیه در برابر تجاوز جنسی

در قانون اساسی ترکیه، بر برابری زن و مرد تأکید شده است. طبق قوانین مدنی ترکیه، تجاوز به زنان حتی در چارچوب روابط زناشویی نیز جرم شناخته می‌شود. با این حال آمار رسمی در باره ی اعمال خشونت علیه زنان در این کشور نشان می‌دهد که دست کم یک زن از هر سه زن یا حتی یک زن از هر دو زن، قربانی خشونت می‌شود.

داده‌اند. این مرکز «شبکه‌ی زنان علیه خشونت جنسی - آمارگی» نام دارد. بنیان‌گذاران این شبکه به دولت خرده می‌گیرند که در صدد است به عضویت اتحادیه‌ی کشورهای اروپایی درآید، ولی هنوز نتوانسته شرایط انسانی مناسبی برای زندگی بیش از نیمی از جمعیت کشورش را فراهم آورد. اینان استدلال می‌کنند که هزینه‌ی اغلب مراکز حمایت از قربانیان تجاوز در کشورهای اروپایی را دولت‌ها تأمین می‌کنند، در حالی که دولت ترکیه به این امر مهم، بی‌توجه است.

با این که شمار تجاوزهای جنسی در ترکیه بسیار بالاست، ولی قربانیان این جنایت جرأت نمی‌کنند به دستگاه قضایی مراجعه و علیه متجاوزان شکایت کنند. تجاوز به زنان در ترکیه هر چند جرم است، ولی قوانین کافی و مراکز ضروری برای حمایت از قربانیان در این کشور وجود ندارد. از این رو بیش از ۳۰ انجمن و کانون فعال زنان دست به تشکیل شبکه‌ای زده‌اند و «تغییر قانون به سود زنان و تأسیس مرکزی برای حمایت از قربانیان تجاوز» را در دستور کار خود قرار

اخبار این شماره جهان‌نویس

از منابع زیر تهیه شده است:

خبرنامه امیرکبیر / کمیته گزارشگران حقوق بشر / فعالان حقوق بشر در ایران / هرانا / رهانا / ایسنا / نشریه اینترنتی خیابان / ندای سبز آزادی / روز آنلاین / جرس / آینده / تغییر برای برابری / کانون زنان ایرانی / مدرسه فمینیستی / خبرگزاری مهر / ایونا / دویچه وله / اتحادیه آزاد کارگران / شبکه همبستگی کارگری / ایلنا / کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

زنان نیمی از کابینه جدید بولیوی را تشکیل می‌دهند

اختصاص نیمی از کابینه بولیوی به زنان در شرایطی است که تنها سابقه‌ی این امر در آمریکای جنوبی، مربوط به دولت در حال کناره‌گیری شیلی است که در سال ۲۰۰۶ کابینه‌ی ۲۶ عضوی خود را به طور مساوی بین زنان و مردان تقسیم کرد.

وزیران کابینه جدید بولیوی، که برای اولین بار نیمی از آنها زن هستند، در حضور رییس‌جمهور این کشور سوگند یاد کردند. وزیر دادگستری، وزیر شفاف‌سازی و مبارزه با فساد و وزیر فرهنگ، از جمله اعضای زن کابینه مورالس هستند.

حضور خانواده های دستگیرشدگان ۲۲ بهمن در برابر بازداشتگاه ها و آزادی برخی از بازداشت شدگان

خانواده های بازداشت شدگان از بعد از ظهر پنج شنبه ۲۲ بهمن، به تدریج برای پیگیری وضعیت نزدیکان خود در برابر بازداشتگاه نیروی انتظامی در خیابان وزرا و همچنین زندان اوین جمع شده بودند. با آغاز شب، رفته رفته بر تعداد خانواده ها افزوده شد. به گفته خانواده‌ها، بیشتر بازداشت شدگان در فلکه دوم صادقیه و خیابان های اطراف دستگیر شده اند و در میان آنان تعداد زیادی دختر وجود دارد. مقامات رسمی هنوز آمار دقیقی بازداشت شدگان ۲۲ بهمن را اعلام نکرده اند. این گزارش حاکی است، در ساعات پایانی شب، خانواده های بازداشت شدگان از بعد از ظهر پنج شنبه ۲۲ بهمن، به تدریج برای پیگیری وضعیت نزدیکان خود در برابر بازداشتگاه نیروی انتظامی در خیابان وزرا و همچنین زندان اوین جمع شده بودند. با آغاز شب، رفته رفته بر تعداد خانواده ها افزوده شد.

خودکشی دو زندانی در زندان گوهردشت کرج

یکی از جوانان زندانی سالن جوانان زندان گوهردشت، بر اثر فشارها و رفتارهای غیر انسانی در زندان اقدام به خودکشی نمود و جان سپرد. حمید رضا اسدی که به تازگی به سالن ۱۲ در بند ۴ زندان گوهردشت منتقل شده بود، بارها نسبت به وضعیت خود اعتراض نموده و هر بار با تهدید و فحاشی به بند بازگردانده شده بود. در پی اطلاع همبندان وی از خودکشی، حمید رضا اسدی با اطلاع مقامات زندان به بهداری منتقل و مرگ وی نیز تأیید شد. سالن ۱۲ زندان گوهردشت کرج، محل مخصوص نگهداری زندانیان در محدوده سنی ۱۶ - ۲۲ سال می باشد که در گزارشات هفته های گذشته، یورش گارد زندان به این بند بارها در رسانه های مختلف و از سوی نهادهای حقوق بشری منعکس شده بود. زندانی دیگر، عظیم عسکری ۴۴ ساله، نزدیک به ۸ سال بود که در زندان های قصر و گوهردشت کرج بسر می برد. وی در بند ۱ معروف به آخر خطیها زندانی بود. او مدتها در تلاش بود که به زندان همدان انتقال یابد تا بتواند با فرزندش ملاقات کند. صبح روز سه شنبه ۲۲ دی ماه، برای پیگیری مسئله انتقالش به رئیس بند ۱ مراجعه می کند که با برخوردی وحشیانه و غیرانسانی و

توهین و تحقیر مواجه می شود. عظیم عسکری پس از بازگشت به سلول خود، حوالی ساعت ۰۹:۰۰ اقدام به خودکشی می کند و تا ساعت ۱۲:۰۰ از هرگونه اقدامی برای نجات این زندانی خوداری می کند. ساعت ۱۲:۳۰ به بهداری منتقل می شود که ساعتی بعد فوت می کند. از طرفی دیگر ضرب و شتم و شکنجه زندانیان بند ۱ روبه افزایش است. زندانیان بی دفاع با باتون های برقی و شوک الکتریکی مورد شکنجه قرار می گیرند و این موضوع به عنوان یک روال در بند ۱ معروف به بند آخرخطی ها بکار برده می شود.

کشته شدن برادر یک زندانی سیاسی کرد در تهران

کمال اولیایی برادر ارسلان اولیایی زندانی سیاسی کرد، در تهران به طرز مشکوکی کشته شده است. جسد وی توسط نیروهای امنیتی در قبرستان بهشت زهرا واقع در شهر تهران به خاک سپرده شده و سپس خانواده ی نامبرده از کشته شدن فرزندشان مطلع شده اند. کمال اولیایی برادر یکی از فعالان سیاسی کرد به نام ارسلان اولیایی است که سال گذشته به اعدام محکوم شده بود و مدتی پیش حکم اعدام وی به ۱۶ سال زندان تغییر یافت. شایان ذکر است که سال گذشته اشرف حسین پناهی، برادر معلم زندانی «انور حسین پناهی» که در حکم اولیه به

اعدام محکوم شده بود و پس از آن، در دادگاه تجدید نظر حکمش به ۱۶ سال زندان تغییر یافته بود، به طرز مشکوکی در شهر سنندج به قتل رسید.

مرگ یک زندانی سیاسی در زندان اوین

اول بهمن ماه، مرگ یک زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد از سوی بهداری زندان اوین تأیید شد. البرز قاسمی، زندانی سیاسی متهم به محاربه از طریق عضویت در یک سازمان سیاسی، که از سرطان پیشرفته معده نیز در رنج بود، در پی وخامت وضعیت جسمی که نشأت گرفته از محرومیت بلند مدت این زندانی از خدمات پزشکی و مرخصی استعلاجی بود، روز گذشته به بهداری زندان اوین منتقل و صبح امروز مرگ وی تأیید شد. گزارش شده است این زندانی که در بند ۳۵۰ زندان اوین به همراه برادر خود، حمید قاسمی، نگهداری می شد، در روزهای اخیر حتی قادر به حرکت کردن نبوده و دچار بی اختیاری ادرار شده بود. علیرغم تلاش های زندانیان و

خانواده وی، بهداری و مسئولان مربوطه در زندان اوین تا یک روز قبل از فوت، حاضر به ارائه خدمات درمانی به وی نشده و تنها پس از پیگیری های مستمر، این زندانی را به بهداری زندان اوین منتقل کردند، در حالیکه بیماری وی و رسیدگی پزشکی به ایشان مستلزم حضور در مراکز تخصصی پزشکی بوده است.

سلسله نشست های مخالفت با حکم اعدام

سنندج) شرکت کردند. لازم به یادآوری است در حال حاضر بیش از چهل زندانی سیاسی محکوم به اعدام در سراسر کشور وجود دارد که اسامی ۳۵ تن از آنان به قرار ذیل است:

علی صارمی، ایوب پرکار، احمد کریمی، ناصر عبدالحسینی، رضا خادمی عبدالرحمان نارویی، عابد گهرام زهی، عبدالحمید ریگی، عبدالجلیل ریگی، ناصر شه بخش، محمود ریگی

علی ساعدی، ولید نیسی، ماحد فردی پور، دعیر مهاوی، ماهر مهاوی، احمد ساعدی، یوسف لفته پور

زینب جلالیان، حبیب الله لطیفی، شیرکو معارفی، فرهاد وکیلی، فرزاد کمانگر، علی حیدریان، حسین خضری، رشید آخوندی، محمد امین آگوشی، احمد پولاد خانی، سید سامی حسینی، سید جمال محمدی، رستم ارکیا، مصطفی سلیمی، انور رستمی، حسن تالعی و ایرج محمدی.

های زندانیان برگزار شده بود، مادران و بستگان با آوردن تصاویر فرزندان محکوم به اعدام خود یاد آنان را گرامی داشتند. خانواده های مورد اشاره در اقدامی نمادین با استفاده از تصاویر زندانیان محکوم به اعدام در سایر نقاط کشور و همچنین تصاویری از جان باختگان وقایع اخیر به اعلام همبستگی و اتحاد با سایر خانواده های زندانیان سیاسی محکوم به اعدام و همینطور جان باختگان وقایع اخیر پرداختند.

مادران زندانیان محکوم به اعدام حاضر در نشست ضمن اعلام تصمیم خود بر تداوم و گسترش فعالیتهای خود از اعلام آمادگی خود برای سفر به تهران جهت پیگیری وضعیت فرزندان خود و همبستگی با سایر زندانیان محکوم به اعدام در اولین زمان ممکن سخن گفتند. در پایان نشست دوم، مادران و خانواده های مورد اشاره با عزیمت به بهشت محمدیه (گورستان سنندج) در مراسم سالگرد ابراهیم لطف الهی (دانشجوی جان باخته در بازداشتگاه اطلاعات

تعدادی از خانواده های زندانیان محکوم به اعدام، نشست هایی را با موضوع مخالفت با حکم اعدام و درخواست آزادی فرزندان خود آغاز کرده اند. تنی از خانواده های زندانیان سیاسی کرد محکوم به اعدام، در حرکتی غیرسیاسی با برگزاری نشست هایی ضمن محکوم کردن حکم اعدام در تمامیت آن، به بیان موارد حقوقی نقض شده در پرونده فرزندان خود و نهایتاً درخواست آزادی آنان پرداختند. خانواده ها در این نشست ها به ناعادلانه بودن و غیرحقوقی بودن روند منتهی به صدور حکم اعدام برای فرزندان خود اشاره کردند و همچنین از تداوم اعدام زندانیان سیاسی در کردستان، که با اعدام دو زندانی در طی هفته های اخیر وارد مراحل جدیدی شده است، ابراز نگرانی کردند.

جلسه اول این نشست، مورخ ۲۳ دیماه در شهر کامیاران و جلسه دوم آن، مورخ ۲۴ دیماه در شهر سنندج برگزار شد. در این نشست که به دلیل فضای امنیتی کردستان و تهدید مستمر خانواده ها به صورت غیرعمومی و فقط با حضور خانواده

بررسی تطبیقی نیروهای حکومت در ۲۲ بهمن و روزهای اعتراض ۸۸

مقاله ارسالی به جهان نوین

حکومت ایران توانست در روز ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ خیابانهای اصلی شهر تهران را تصرف کند. با حضور گسترده نیروهای نظامی، انتظامی، شبه نظامی و امنیتی، به همراه نیروهای غیر نظامی طرفدار حکومت، خیابانهای اصلی پایتخت، قبل از ظهر روز ۲۲ بهمن، به تصرف حکومت در آمد. از ظهر به بعد، نیروهای غیر نظامی به خانه برگشتند، اما نیروهای نظامی، همچنان خیابانها را در تصرف خود داشتند.

لیبرالها و اصلاح طلبان و دنباله‌روهایشان، در

هیچ نماد و پلاکاردی، تا میدان آزادی به‌همراه طرفداران حکومت راهپیمایی کنند. آنگاه زمانی که سخنران اصلی حکومت، شروع به سخنرانی کرد، معترضان با سردادن شعارهای اعتراضی، جو اعتراض را بر این میدان، حاکم کرده و ضمن بر هم زدن نمایش هر ساله حکومت در ۲۲ بهمن و انعکاس زنده‌ی آن از رسانه‌های خارجی و تلویزیون ایران، زیر پای حکومت را تا حد سقوط آن، خالی کنند. آنها مثال رومانی و روز سقوط چائوشسکو، دیکتاتور رومانی را سرمشق خود قرار داده بودند.

خوش‌خیالی، بی‌تعهدی و فقدان حداقل محاسبه‌گری، از این طرح کاملاً پیداست.

بررسی روزهای کلیدی اعتراضات خیابانی در هشت ماه اخیر، این خوش‌خیالی را به‌سادگی برملا می‌کند. به‌یاد داریم که روز جمعه ۲۶ تیرماه

روزهای منتهی به ۲۲ بهمن، تبلیغ می‌کردند که این روز، روز وزن کشتی قدرت معترضان با وفاداران به حکومت مستقر است. شکست‌های موضعی حکومت در برخی نقاط تهران در روز ششم دی‌ماه (عاشورا) از یک طرف، و تبلیغات حکومت، که سعی داشت روز ۲۲ بهمن را روز تعیین تکلیف و مشخص شدن طرف برتر در خیابانها بنامد، از طرف دیگر، لیبرالها و اصلاح‌طلبان خوش‌خیال را به وسوسه انداخت تا در این قمار نابرابر شرکت کنند: تبلیغ کردند هر طرف که توانست خیابانهای اصلی و میدان آزادی تهران را در ۲۲ بهمن تصرف کند، قدرت برتر در ایران است.

طبق طرح‌های خوش‌خیالانه‌ی برخی لیبرالها و اصلاح‌طلبان، که در رسانه‌هایشان علناً تبلیغ می‌شد، معترضان می‌بایست با سکوت کامل و بدون

را، که خطیب نماز جمعه تهران، هاشمی رفسنجانی بود. در این روز، معترضان موفق شدند خیابان‌های اصلی تهران، در اطراف دانشگاه تهران و محل برگزاری نماز جمعه را، به تصرف موقت خود در آورده و شعارهای اعتراضی را بر جو جمعیت، حاکم کنند. روز دیگر، جمعه ۲۷ شهریور، روز قدس نیز این وضعیت تکرار شد و معترضان موفق شدند بخشی از خیابان‌های اصلی حول و حوش دانشگاه تهران را تصرف کرده و شعارهای خود را غالب کنند.

وجه اشتراک این دو روز، فراخوان اصلاح‌طلبان و لیبرال‌ها و دعوت آن‌ها از معترضان برای حضور در خیابان‌ها؛ برگزاری نماز جمعه و مشغول بودن بخش اعظم نیروهای غیر مسلح طرفدار حکومت به برگزاری مراسم و در نتیجه عدم تحرک آنها در آن دو ساعت حساس بود. نیروهای مسلح حکومت هم، که در خیابان حضور داشتند، طی این دو ساعت، مشغول تامین نظم برگزاری مراسم و در موضع دفاعی بودند.

روز ۱۳ آبان، از لحاظ برگزاری مراسم خیابانی حکومتی و فراخوان لیبرال‌ها و دعوت از معترضان برای تجمعات خیابانی، با این دو روز وجه اشتراک داشت. اما چرا معترضان نتوانستند خیابان‌های اطراف برگزاری مراسم را در زمان برگزاری مراسم، همچون دو روز ۲۶ تیر و ۲۷ شهریور تصرف کنند؟

نکته‌ی کلیدی، تحرک نیروهای غیرمسلح طرفدار حکومت، در ساعات برگزاری مراسم، و همراهی آنها با نیروهای مسلح حاضر در خیابان در آن ساعات است. از طرف دیگر، حضور نیروهای نظامی و انتظامی در خیابان‌ها، طی این روز، بسیار گسترده‌تر از آن دو جمعه بود. از این لحاظ، توازن قوا در خیابان‌های تهران در ۲۲ بهمن امسال، با روز ۱۳ آبان بسیار شبیه و قابل مقایسه بود.

روزهای کلیدی دیگر، ۱۸ تیر، ۱۶ آذر و ۶ دی (عاشورای) امسال هستند. در این سه روز تاریخی، اصلاح‌طلبان و لیبرال‌های متحدشان، هیچ

فراخوانی برای حضور مردم و برپایی تجمعات خیابانی ندادند. اما مردم معترض، موفق شدند ضمن برپایی تجمعات خیابانی اعتراضی و حتی تصرف موقت برخی خیابان‌های اصلی، نیروهای نظامی و انتظامی حاضر در خیابان را به‌چالش بکشند.

نکته کلیدی این سه روز، عدم برگزاری مراسم دولتی در خیابان‌های مرکزی تهران بود. در نتیجه، نیروهای غیر نظامی طرفدار حکومت، در خیابان‌ها حضور نداشته و نیروهای نظامی و انتظامی را همراهی نمی‌کردند. علاوه بر این، در ساعات قبل ظهر روز ۶ دی (عاشورا)، بخش بزرگی از

نکته‌ی کلیدی، تحرک نیروهای غیرمسلح طرفدار حکومت، در ساعات برگزاری مراسم، و همراهی آنها با نیروهای مسلح حاضر در خیابان در آن ساعات است

نیروهای شبه نظامی طرفدار حکومت، در محلات مختلف و به صورت پراکنده و غیر متمرکز، مشغول برگزاری مراسم عزاداری مذهبی بوده و در نتیجه از همراهی نیروهای نظامی و انتظامی، بازمانده بودند.

در نتیجه، ۶ دی (عاشورا)، مردم معترض موفق شدند چندین میدان و خیابان اصلی در مرکز تهران را، برای ساعاتی تصرف کنند. همچنین توانستند در چند نقطه، نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی را شکست داده و خلع سلاح کنند. این‌گونه بود که روز ۶ دی (عاشورای) امسال، علی‌رغم کشته و مجروح و دستگیر شدن تعداد زیادی از مردم معترض، تبدیل به روز عزای حکومتیان شد.

در ۱۶ آذر (روز دانشجو) نیز، علی‌رغم انفعال اصلاح‌طلبان، دانشجویان معترض اکثر دانشگاه‌های ایران، به‌همراهی مردم معترض، موفق شدند

محیط دانشگاه‌ها و خیابان‌های اطراف‌شان را، برای ساعاتی، تبدیل به صحنه‌ی برگزاری تجمعات اعتراضی و شعارهای ضد حکومت کنند. در این روز، حکومت تمرکز نیروهای غیر مسلحش را، تنها در دانشگاه تهران تدارک دیده بود و فقط در این دانشگاه، توانست خودی نشان بدهد و با دانشجویان معترض، به‌چالش برخیزد.

نکته ساده اما اساسی، این است: در روزهایی که نیروهای غیر نظامی طرفدار حکومت، به‌دلیل برگزاری مراسم دولتی، حضور خیابانی و تحرک و تمرکز کافی داشته و نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی را همراهی می‌کردند، حکومت موفق شده است خیابان‌ها و میدان‌های اصلی تهران را تصرف کرده و مردم معترض را پراکنده و سرکوب کند. اما در روزهای اعتراضی که مراسم رسمی دولتی برگزار نمی‌شد، نیروهای غیر نظامی طرفدار حکومت، در خیابان‌ها حضور متمرکز نداشتند. در نتیجه نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی، موفق به پراکنده کردن و سرکوب کامل مردم معترض نمی‌شدند و حتی در ساعاتی، کنترل تعدادی از خیابان‌ها و میدان‌های اصلی را از دست دادند.

یک نکته را هم باید اضافه کرد، از غروب روز ۱۶ آذر، تمام دستگاه‌های تبلیغی حکومت به‌کار افتاد و چند روز متوالی، با حداکثر توان، پاره شدن عکس آیت‌ا... خمینی را در بوق و کرنا کرد. علی‌رغم تبلیغات گسترده، حکومت موفق به بسیج نیروهای غیر نظامی طرفدار خود نشد. نماز جمعه‌ی موعود، که قرار بود تبدیل به صحنه‌ی برگزاری تجمع میلیونی طرفداری از حکومت بشود، از نماز جمعه‌های قبل حتی، خلوت‌تر بود.

از غروب روز ۶ دی (عاشورا) هم، دم و دستگاه‌های عریض و طویل تبلیغاتی حکومت، در بوق و کرنا کرده بودند که حرمت عاشورا شکست و مردم معترض، به این مناسک مذهبی، بی‌حرمتی کرده‌اند. علی‌رغم تدارک گسترده‌ی حکومت، برگزاری تجمع سراسری دولتی، با دو روز تاخیر برگزار شد. در ضمن، روز ۸ دی تجمع دولتی در

شهرستان‌ها و روز ۹ دی، در تهران برگزار شد. جمعیت نیروهای غیر نظامی طرفدار حکومت هم، هیچ تناسبی با گستردگی تبلیغات قبل و بعد از آن روز نداشت. به عبارت دیگر، حکومت قادر نشد تجمعاتش را، در تهران و شهرستان‌ها، به صورت هماهنگ و در یک روز، برگزار کند. این مساله نشان می‌دهد که امسال، حکومت فقط در چند روز معدود از سال، موفق به برگزاری تجمعات سراسری شده است.

مساله‌ی دیگری که نباید فراموش شود، افزایش تبحر و کسب تجربه توسط حکومت، در سرکوب اعتراضات خیابانی، طی سال ۸۸ است. اعتراضات مردمی پس از سال ۱۳۸۲، همگی محدود و محلی بودند. در نتیجه علی‌رغم برگزاری تمرین‌ها و مانورهای متعدد خیابانی توسط نیروهای حکومت، آمادگی آنها برای سرکوب تظاهرات توده‌ای، کاهش چشمگیر یافته بود. این نیروها، در روزهای پس از ۲۵ خرداد، دستپاچه عمل کرده و قربانیان

خود را، به صورت تصادفی انتخاب می‌کردند. اما این روزها قربانیان خود را به دقت، گلچین کرده و متلاشی کردن گروه‌های سیاسی حاضر در خیابان‌ها را نشانه گرفته‌اند. هم‌زمان با افزایش شدت سرکوب و کنترل و حضور نظامیان در خیابان‌ها و گستردگی دستگیری‌ها، رسانه‌های معترضان نیز، که عمدتاً مبتنی بر اینترنت است، روز به روز، محدود و محدودتر شده است.

شوراها و انقلاب ۵۷

شوراهای انقلابی کارگران از بهار ۵۷ تا بهار ۵۸ مقاله ارسالی به جهان‌نویس

یکی از تجارب مردم در انقلاب ۵۷، روی آوردن به عمل مستقیم انقلابی و تشکیل قدرت مردمی و سازمان‌های متناظر آن، یعنی شوراها بود. رشد جنبش شوراها در انقلاب ۵۷ و ایجاد شوراها در محل‌های کار و زندگی، از مبارزات محدود و محلی و مقطعی آغاز شد. این مبارزات، در سیر تکاملی و صعودی خود، به اعتصابات گسترده سراسری و سیاسی ارتقا یافت.

سال‌ها سرکوب نیروهای مترقی و میدان دادن به نیروهای مرتجع، ساختار اقتصادی جامعه و کثرت عددی خرده بورژوازی، سبب شد در مقطع ۵۷ ابتکار عمل در دست خرده بورژوازی باشد و طبقه کارگر، در پی آن روان گردد. اعتصابات کارگری، از بهار سال ۵۷ گسترده تر شدند. این اعتصاب‌ها در ابتدا، محلی، صنفی و مقطعی بودند. پس از ۱۷ شهریور، مبارزات کارگران، به خصوص کارگران واحدهای بزرگ صنعتی، وسعت بیشتری پیدا کرد. اعتصاب‌های طولانی‌تر و اعتراضات و تظاهرات خیابانی، در میان کارگران رواج یافت. در آن روزها بود که کارگران تراکتورسازی تبریز، راه آهن و ماشین‌سازی اراک و کارگران برخی کارخانه‌های تهران، با شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی»، به راهپیمایی‌های خیابانی پرداختند. علاوه بر کارخانه‌ها، دانشگاه‌ها، مدارس، پست و تلگراف، بانک‌ها، دخانیات و

ادارات نیز در اعتصاب به سر می‌بردند. اعتصاب سراسری سیاسی که آغاز شد، پیوستن کارکنان صنعت نفت، شور و شوق اعتصاب کنندگان را چند برابر کرد. کمیته‌های اعتصاب کم‌کم شکل گرفتند. لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی، انحلال ساواک، مجازات عوامل کشتارها و برقراری جمهوری، خواست‌های عمومی اعتصاب کنندگان بود. در این مقطع، علی‌رغم مبارزه فعالانه، طبقه کارگر فاقد استقلال طبقاتی بود.

کارکنان صنعت نفت، با سازماندهی خود در سندیکای مشترک کارکنان نفت، با هدف رهبری اعتصاب و اعمال کنترل بر صنعت نفت، موجودیت یک تشکل توده‌ای را اعلام کردند. شوراها برای اعمال قدرت انقلابی در کارخانه‌ها، از درون اعتصاب عمومی سیاسی سر بر آوردند.

پس از قیام مسلحانه بهمن ۵۷، شوراها با سرعت و وسعت زیادی در اغلب کارخانه‌ها و واحدهای بزرگ صنعتی، آنجا که کمیته‌های اعتصاب شکل گرفته بود و کارگران آگاه در آنها نقش داشتند، شکل گرفتند. کارگران در انتخاباتی نسبتاً دموکراتیک، نمایندگان خود را برگزیدند و در برخی از واحدها، کنترل امور را هم به دست گرفتند. در واحدهایی که مالکان و مدیران کارخانه را بسته بودند، بازگشایی و راه‌اندازی کارخانه، بازگشت به کار کارگران، اخراج عناصر مزدور و پرداخت دستمزد عقب افتاده، عمده‌ترین مطالبات کارگران بود. بازگرداندن کارگران اخراجی دوران شاه، بخشی از اعمال قدرت

شوراها بود. پس از به قدرت رسیدن دولت موقت، شوراها همچنان خواهان کنترل شورا بر تولید و فروش بودند. دولت به انواع شیوه‌ها متوسل شد تا کنترل کارخانه را از دست کارگران خارج کند. نطق بازرگان، نخست وزیر وقت، درباره خواست‌های کارگران، گستردگی پدیده شورا را در آن زمان نشان می‌دهد: «می‌خواهند صاحب کارخانه باشند، همه کاره باشند، تکلیف مدیریت کارخانه و همه چیز را معین کنند و یا رییس اداره را آنها انتخاب کنند...»

همان عواملی که باعث شد صنعت نفت در جریان اعتصاب سراسری سیاسی و وارد نمودن ضربات کاری بر پیکر رژیم پهلوی، نقش اساسی داشته باشد، در مرحله بعدی نیز کارکنان صنعت نفت را قادر ساخت تا به لحاظ درجه تشکل و آگاهی و عمق مبارزات و تاثیرگذاری بر کل جنبش کارگری، در صدر قرار گیرند. نفتگران که در جریان اعتصاب سراسری سیاسی در ماه‌های قبل بهمن ۵۷، با توجه به سطح آگاهی نسبی و سابقه مبارزاتی شان، قادر شدند با قطع شاهرگ حیاتی رژیم پهلوی، آن را به زانو در آورند، در برپا داشتن شوراها، کارگری و برقراری کنترل کارگری نیز، تجارب ارزنده‌ای برای جنبش کارگری ایران بر جای گذاردند.

حرکت کارگران صنعت نفت، از اواخر تابستان ۵۷ شروع شد. این تحركات به تدریج تا پاییز ۵۷، به یک حرکت سیاسی در سراسر صنعت نفت انجامید. نفتگران در آبان ماه سال ۵۷ با خواست‌های: لغو حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی

با همکاری نزدیک سندیکا و شورا و از طریق شوراهای صورت می گرفت. شوراهای امور پالایشگاه ها و سایر موسسات وابسته به صنعت نفت را کنترل می کردند و پالایشگاه آبادان مرکز ثقل این اعمال کنترل بود.

در پالایشگاه آبادان پس از قیام بهمن ۵۷، کمیته اعتصاب اداره امور پالایشگاه ها را به دست گرفت. «کمیته پاسداران صنعت نفت» که برای حفاظت و نگهداری پالایشگاه توسط کارگران نفت تشکیل شده بود، همچنان به فعالیت خود ادامه داد. از اوایل سال ۵۸، شورا جایگزین کمیته اعتصاب شد. کنترل امور پالایشگاه توسط کارکنان تا اردیبهشت ۵۸ همچنان ادامه داشت. در طول این مدت، ۴۰ ساعت کار و ۲ روز تعطیل در هفته، توسط شورا عملی شد. شورا بسیاری از مدیران سرسپرده و ضد کارگر را اخراج کرد.

در اردیبهشت ۵۸، با ورود مدیران جدید منتخب دولت، کارکنان در اثر توهانات خود نسبت به حکومت جدید، قدرت را دودستی به دولت موقت تحویل دادند و از این زمان، نقش شورای کارکنان پالایشگاه آبادان، از کنترل به



نظارت تنزل یافت. در پالایشگاه تهران، پس از بهمن ۵۷، عناصر آگاه از سندیکای مشترک تصفیه شدند و پیروان حکومت، جای آنان را گرفتند.

انتشار شماره جدید

نشریات اینترنتی خیابان و بذر

شماره ۵۹ نشریه خیابان، ۲۱ بهمن منتشر شد.

ایمیل نشریه: khyaboon@gmail.com

شماره ۴۶ نشریه بذر، ۲۱ بهمن منتشر شد.

ایمیل نشریه: bazr1384@gmail.com

مصرفی مردم، استفاده نکند و... رژیم ناگزیر شده به اجبار تمامی این شرایط را بپذیرد و کارگران با تمام قدرت، پالایشگاه ها را

**روز نوزدهم دی ماه
کارکنان پالایشگاه های نفت
تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه با تشکیل
«سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت»
کنترل امور در این پالایشگاه ها را
به دست گرفتند.**

در دست گرفتند. از این زمان به بعد، شکل های موجود، در پالایشگاه ها و موسسات مختلف صنعت نفت با هر نامی که فعالیت می کردند (در

پالایشگاه آبادان و صنعت نفت اهواز با عنوان کمیته اعتصاب، در پالایشگاه های تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه با عنوان «سندیکای مشترک» مضمون عملکرد آنان شورایی بود، کنترل تولید را در دست داشتند و ظهور قدرت دوگانه را در واحدهای خود، به نمایش می گذاشتند. پس از قیام بهمن ۵۷، حمایت و پشتیبانی کارکنان صنعت نفت از شوراهای خود و موفقیت این شوراهای کنترل امور، قویترین شوراهای را در این صنعت به وجود آورد. حرکاتی که از این پس در صنعت نفت صورت می گرفت، عموماً تحت رهبری شوراهای بود. هرچند در این بخش، سندیکاها نیز وجود داشتند و در برخی قسمت ها بسیار فعال بودند، اما حرکات سیاسی حتی در آن قسمت ها،

و اخراج کارشناسان خارجی، دست به اعتصاب زدند. این اعتصابات توسط کمیته های اعتصاب هدایت می شد که در ۲۲ مهر در پالایشگاه آبادان و در ۳۰ مهر در صنعت نفت اهواز و سایر مراکز نفتی ایجاد شده بودند. در این مقطع، کمیته های اعتصاب، تظاهرات، راه پیمایی ها و اعتصابات را در صنعت نفت، رهبری می کردند. این کمیته ها، علاوه بر سازماندهی و هماهنگی اعتصابات، همچون قدرتی خودمختار، با وزرا و مقامات حکومتی (از جمله با انصاری، مدیر عامل نفت در زمان شاه) وارد مذاکره می شدند، بدون توجه به تهدیدات دولت، از صدور نفت جلوگیری کردند، میزان تولید نفت را کاهش داده و سپس به طور کلی، قطع نمودند؛ با جمعیت حقوق دانان، نمایندگان جمعیت های خارجی و ... به طور

رسمی وارد مذاکره شدند و برخی از روسای دولتی را اخراج نمودند. در مجموع بدون نظر موافق کمیته اعتصاب، کمتر اقدام صنفی و یا سیاسی در صنعت نفت امکان پذیر بود. در دی ماه ۵۷، کمیته های اعتصاب نفت، به لحاظ مضمون فعالیت خود، کاملاً با شوراهای کارخانه یعنی ارگان های کنترل کارگری، هم مرز

گشته بودند و جلوه های روشنی از کنترل کارگری در حرکات آنها مشهود بود.

روز نوزدهم دی ماه، کارکنان پالایشگاه های نفت تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه با تشکیل «سندیکای مشترک کارکنان صنعت نفت» کنترل امور در این پالایشگاه ها را به دست گرفتند. آنها اعلام کردند آماده اند امر تولید نفت برای سوخت رسانی به مردم را پیش ببرند، در صورتی که: ۱- مقامات شرکت نفت و پالایشگاه ها، در امور این واحدها هیچ گونه دخالتی نداشته باشند (کنترل کامل امور پالایش و توزیع و پخش و تخلیه مواد نفتی) ۲- قوای نظامی به هیچ وجه، در امور پالایشگاه ها دخالت نکنند و از محل پالایشگاه ها و مناطق نفت خیز، خارج شوند. ۳- ارتش از نفت